

دلایل 12 گانه تبدیل چین به قدرت اقتصادی جهان

در این تحقیق آمده است: از آغاز سال ۱۹۷۹ حزب کمونیست چین سیاستهای اصلاحات و درهای باز را که نتایج شتابان و بزرگی مطرح کرد به اجرا گذارد.

پس از اجرای سیاستهای اصلاحات و درهای باز به این طرف و همچنین ایجاد مناطق آزاد در این کشور، توسعه اقتصاد ملی و اجتماعی چین به دستاوردهای چشمگیری نائل آمده است.

چهره این کشور دستخوش تغییرات نکان دهنده شد. این دوران از لحاظ وضعیت بهترین زمان پس از تأسیس جمهوری خلق و بهترین دوره برای مردم به لحاظ تأمین منافع آنان به شمار می‌رود.

نقش اصلی توسعه اقتصادی در کشوری مانند چین را باید در گسترش مناطق آزاد، تغییر تفکر اقتصادی و همسویی اقتصاد ملی این کشور با اقتصاد جهانی دانست. چین نمونه بارز این تغییر تفکر است.

این کشور از ابزار منطقه آزاد به خوبی در راستای بازگشایی اقتصاد خویش بهره گرفته و توانسته با تغییر قوانین و مقررات در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فضای مناسب توسعه از تکنولوژی و علم کشورهای توسعه یافته بهره گیرد و با افزایش تعداد مناطق آزاد با سرعت بیشتری فضای درونی اقتصاد ملی را تغییر دهد و قوانین و مقررات و سیاست کلی اقتصادی را با شرایط اقتصاد جهانی هماهنگ و هم جهت سازد به طوری که در حال حاضر به لحاظ اقتصادی سومین اقتصاد جهان بشمار می‌رود.

چین طی سالهای اخیر با اعمال سیاست باز اقتصادی کوشش و آفری در ایجاد محیط مناسب سرمایه‌گذاری خارجی مصرف نموده و با وجود مالکیت دولتی با اعمال سیاست آزادسازی و به کارگیری ابزار منطقه آزاد، اقتصاد خود را جهش داده و اصلاحات گسترده‌ای را در آن به عمل آورد.

راز موفقیت چین را باید در وحدت تصمیم‌گیری و حمایت فاطح دولت چین از اصلاحات اقتصادی که همسو و هماهنگ با اهداف مناطق آزاد است، دانست.

سیاست خارجی چین

در بخشی از این تحقیق با اشاره به سیاست خارجی چین تصریح شده است: سیاست خارجی چین با اصل اولویت توسعه و اصلاحات اقتصادی کشور و اجرای سیاست درهای باز بر گسترش رابطه با همه کشورهای و پرهیز از هرگونه درگیری استوار است.

چین به عنوان یک کشور در حال توسعه برای پیشرفت و دستیابی به اهداف استراتژی توسعه ملی خود نیازمند ثبات و آرامش در همسایگی خود و همچنین محیط بین‌المللی است و در این راستا تلاش می‌کند که از هرگونه برخورد نظامی و حتی مناقشات سیاسی با دیگر کشورهای پرهیز کند.

این کشور همزمان با توسعه مناسبات خود با کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای آسیایی و آفریقایی، برای تحکیم روابط خود با کشورهای توسعه یافته صنعتی نظیر ژاپن، آمریکا، اروپا و روسیه اهمیت ویژه‌ای قائل است. زیرا علاوه بر ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی، کشورهای مذکور منابع اصلی تأمین سرمایه و دانش فنی مورد نیاز چین برای اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی آن کشور میباشند.

چین همچنین مایل است در نظم نوین جهانی جایگاه مطلوبتری را به خود اختصاص دهد و سهم بیشتری را در مشارکت و اداره امور جهانی به خود اختصاص دهد.

ویژگیهای ژئواکونومیکی چین

در بخش دیگر این تحقیق ویژگیهای ژئواکونومیکی چین مورد توجه قرار گرفته و اشاره شده است: چین به عنوان یکی از مهمترین بازیگران اقتصاد جهانی دارای سومین اقتصاد بزرگ دنیا است.

آهنگ رشد شتابان اقتصادی این کشور از ابتدای قرن بیستم با تغییر در سیاست های کمونیستی چین و ارائه آزادی های ویژه به سرمایه گذاران آغاز شد.

متوسط رشد اقتصادی چین در طول 27 سال گذشته 4/9 درصد بوده است. تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در سال 2006 با 7/10 درصد رشد نسبت به ارقام سال 2005 به رقم تقریبی 2 تریلیون و 500 میلیارد دلار و در سال 2007 با 4/11 درصد افزایش نسبت به سال 2006 به 3 تریلیون و 430 میلیارد دلار رسید. در پایان سال 2008 حجم تولید ناخالص داخلی چین با رشدی معادل 8/9 درصد به رقم 421/4 تریلیون دلار رسید.

سیاستهای اقتصادی چین که چنین رشد شتابانی را برای توسعه بخشهای مختلف اقتصادی این کشور به همراه داشته، سبب شده است درآمد سرانه ملی چین از 1300 دلار در ابتدای قرن بیستم به 6 هزار دلار در انتهای سال 2008 افزایش یابد.

حجم اقتصاد چین (\$ 7,043,000,000,000) در سال ۲۰۰۷ از زاین بیشتر بوده و بلافاصله پس از آمریکا یعنی در مقام سوم در جهان قرار میگیرد.

چنانچه رشد کنونی اقتصادی چین همچنان ادامه یابد، چین از نظر اقتصادی، در حال رسیدن به آمریکا یعنی بزرگترین اقتصاد جهان است و باید خود را برای مقابله با پیامدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کند. این امر موجب نگرانیهای عمده سیاسی خواهد شد، زیرا این کشور به صورت نیروی به مراتب قویتری در منطقه در آمده است. در کشور چین 88 میلیون نفر در امور مربوط به تجارت خارجی اشتغال به کار دارند.

در حال حاضر مهمترین شرکای عمده تجاری چین اروپا - آمریکا - ژاپن - کشورهای عضو آسه آن - کره جنوبی - روسیه به شمار می روند و لیکن به طور عموم با همه کشورهای جهان حداقل روابط اقتصادی دارد.

در ادامه این گزارش تحقیق با اشاره به تاثیر ژئواکونومی چین بر اقتصاد جهان و دلایل آن، آمده است: در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می رسد سیاست، که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است.

داشتن طرحهای منسجم توسعه علوم و فنون یکی از دلایل نشانه های رشد اقتصادی چین عنوان شده است.

در این برنامه با توجه به گرایش توسعه فنون عالی جهان و نیاز و توانایی چین، 15 موضوع اصلی در 7 قلمرو فنون بیولوژیک، فضانوردی، اطلاع رسانی، لیزر، انوماتیک، انرژی و مواد و مصالح جدید را چون اولویت پژوهشی و توسعه شامل می شود.

در این گزارش به برنامه علمی و فنی کشاورزی، برنامه تحمیل نتایج فنون عالی و جدید و برنامه فضایی چین مورد توجه قرار گرفته است.

بخش غیر دولتی فعال چین

در ادامه این گزارش درباره بخش غیر دولتی فعال چین می خوانیم: سهم بخش غیردولتی از اقتصاد چین که زمانی کاملاً دولتی بود، نا پایان دهه جاری میلادی به 75 درصد افزایش می یابد.

در فاصله سالهای 2000 تا 2005 شرکت های دولتی در این کشور 15 میلیون نفر را بیکار کردند اما در مقابل، شرکت های خصوصی 57 میلیون شغل ایجاد کردند.

شرکت‌های خصوصی همچنین مالباخت‌دهندگان بزرگی هستند و میزان مالباخت آنها از سال 2000 تاکنون سالانه 40 درصد افزایش یافته است، حال آنکه افزایش مالباخت شرکت‌های دولتی کمتر از 7 درصد بوده است.

در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه چین کمترین شکاف اطلاعاتی را داراست، تصریح شده است: بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کشور نمونه‌مناسبی از نظر ارائه تجهیزات گسترده مخابراتی در مناطق روستایی است که به مردم امکان می‌دهد به آسانی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دسترسی پیدا کنند.

این کشور بر جمعیت هم‌چنین از ایالات متحده در زمینه تعداد کاربران اینترنتی و تعداد مشتریان خدمات شبکه‌سراسری در سال 2005 سبقت گرفت. این شکاف اطلاعاتی کم باعث افزایش سهم دولت الکترونیک و در کنار آن افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه کشور می‌شود.

عضویت در سازمان تجارت جهانی و آزادسازی تجارت در اسانهای چین آن هم به طور ندرجی نیز در این گزارش مورد توجه قرار گرفته است.

در این گزارش اشاره شده است: مناطق آزاد تجاری چین و ویژگی‌های ژئوگرافیک آن مناطق آزاد از اهمیت خاصی در توسعه اقتصادی چین محسوب می‌شوند.

به منظور سرعت بخشیدن به این برنامه‌ها، این کشور 4 منطقه ساحلی را به عنوان مناطق ویژه اقتصادی اعلام کرد که این مناطق هم اکنون پس از طی فرآیند موفقیت آمیز و سازنده‌شان به 2000 منطقه ویژه اقتصادی افزایش یافته است.

بخش غیر دولتی فعال چین در این مناطق شرکت‌های خارجی خارج از مقررات داخلی چین بر اساس نظام سرمایه‌داری و مقررات ویژه این مناطق سرمایه‌گذاری نموده و از معافیت‌های خاص مالیاتی بهره‌مند شدند.

در یک کلام، آزاد شهرهای چین علاوه بر کارآفرینی بسیار بالا باعث جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی، توسعه ملی و رشد صنعتی و بازرگانی چین شده و این کشور را از حالت انزوا بیرون آورده‌اند.

افزایش رشد اقتصادی چین به نفع اقتصاد جهانی

در این گزارش نقل‌قولی از رئیس پارلمان اروپا آورده شده که وی گفته است، اتحادیه اروپا از افزایش رشد اقتصادی چین استقبال می‌کند چرا که این مساله به نفع رشد اقتصاد جهانی خواهد بود.

جوزیه بورل افزوده است: اروپا و آمریکا نباید نگران افزایش رشد اقتصادی چین باشند. افزایش رشد و توسعه اقتصادی چین خبر خیر بسیار خوبی برای سایر کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه و فقیر است.

وی تصریح کرده است: امیدوارم روند رشد و توسعه اقتصادی چین یک روند پایدار و مداوم باشد و اقتصاد چین بتواند نقش مهم و راهبردی در اقتصاد جهان طی قرن 21 ایفا کند.

در ادامه این گزارش آمده است: چین هم اکنون یکی از بزرگترین شرکای تجاری اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. افزایش حضور چین و کالاهای ساخت این کشور در بازارهای اروپا و آمریکا، نگرانی شدید مقامهای آمریکایی و اروپایی را در بر داشته است.

به هر حال امروزه مناطق استراتژیکی جهان با دیدگاه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. به همین دلیل می‌توان ویژگی‌های ژئواستراتژیکی چین را رشد اقتصادی بالا، دارا بودن جمعیت فعال اقتصادی و تولید ناخالص ملی بالا، عنوان بزرگترین مصرف‌کننده سوخت فسیلی در جهان پس از آمریکا، قرار گرفتن در یکی از مناطق استراتژیکی جهان یعنی شرق و جنوب شرقی آسیا، قرار گرفتن در بین دو منطقه

استراتژیک جهان یعنی روسیه و هند، دارا بودن بیش از 2000 منطقه آزاد تجاری که در اقتصاد جهانی نقش بسزایی دارند، داشتن بالاترین ذخیره ارز و طلا در جهان عنوان کرد.

در بخش نتیجه گیری این گزارش تحقیقی چنین آمده است:
چین به دلیل مولفه های ذیل یک کشور استراتژیک و ژئواکونومیک است:

- 1- در مجموع می توان چنین جمع بندی کرد که چین سیاست های عملگراییانه ای برای حفظ ثبات در منطقه، کسب منافع بیشتر اقتصادی و افزایش تأثیرگذاری سیاسی، بدون مصالحه بر سر منافع حیاتی، در پیش گرفته و همه اینها معطوف به "تداوم توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی" است.
- 2- تغییر وضع موجود بین المللی را از طریق رعایت قواعد نظم موجود و بازی در درون این قواعد، پیگیری می کند.
- 3- جمعیت زیاد و وسعت کشور
- 4- ایجاد حدود 2000 منطقه آزاد تجاری با قوانین خاص آن مناطق و بنادر مجهز به بارگیری با حداکثر ظرفیت
- 5- واقع شدن بین دو کشور استراتژیک و ژئواکونومیک روسیه در شمال و هند در جنوب
- 6- واقع شدن در منطقه استراتژیک جنوب و شرق آسیا
- 7- واقع شدن بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند
- 8- به گفته برخی از نظریه پردازان، در حال حاضر کشورهایی می توانند در جهان مطرح باشند که تکنولوژی برتری نسبت به سایر کشورها داشته باشند و چین چنین پتانسیل و برتری دارد. (رشد شگفت انگیز اقتصادی و ثبات سیاسی در چین را می توان معلول یک عامل اساسی دانست و آن حصول اجماع نظر میان نخبگان این کشور پیرامون استراتژی کلان چین است که با توجه به درکی واقع بینانه از محیط داخلی و بین المللی، شرایط را برای بهره گیری از پتانسیل های داخلی و خارجی در جهت افزایش قدرت ملی فراهم آورده است.)
- 9- عضویت در سازمان های مهم بین المللی و منطقه ای مانند سارک و شانگهای و تاثیر گذاری مستقیم در این سازمانها.
- 10- در حوزه آسیا چین یک رویکرد کم خطر را برای مواجهه با مسائل بین المللی اتخاذ کرده است.
- 11- دسترسی به آبهای آزاد جهان از طریق دریای چین.
- 12- همسایگی با یکی از قدرتها و قطبهای اقتصادی جهان یعنی ژاپن

امیرپاشا جهانشاه